

## بررسی مانع‌های خصوصی‌سازی خدمات فنی و مشاوره

### ای کشاورزی در شهرستان زنجان

نسرین قادری<sup>۱\*</sup>، محمود نوری<sup>۲</sup>، اسماعیل کرمی دهکردی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه زنجان، <sup>۲</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی

دانشگاه زنجان، <sup>۳</sup> استادیار ترویج کشاورزی و توسعه روستایی دانشگاه زنجان

## Investigating the obstacles of Privatizing Agricultural Advisory and Technical Services in the Zanjan Township

<sup>1</sup>Nasrin Ghaderi, <sup>2</sup>Mahmood Nori, <sup>3</sup>Esmail Karamidehkordi

<sup>1</sup> and <sup>2</sup> Graduate Students of Rural Development, University of Zanjan, Iran

<sup>3</sup> Assistant Professor of Agricultural Extension and Rural Development, University of  
Zanjan, Iran

خلاصه

E-mail: [nasringh63@yahoo.com](mailto:nasringh63@yahoo.com)

\* نویسنده مسئول

وضعیت پیچیده کنونی ترویج کشاورزی به دست آمده تجربه‌های موفق و ناموفق شش دهه پر نشیب و فراز در بخش دولتی، و ده‌ها دیدگاه در مورد خصوصی‌سازی است که کمتر در بوته بررسی و آزمایش قرار گرفته‌اند. این پژوهش موردی به دنبال بررسی مانع‌های خصوصی‌سازی خدمات ترویج و مشاوره‌ای کشاورزی است که با استفاده از فنون گروه‌های متمرکز با مشارکت‌کنندگان مؤثر بر خصوصی‌سازی از جمله کارشناسان شاغل در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی، کارشناسان دولتی شاغل در سازمان جهاد کشاورزی، و کشاورزان دو روستای واقع در دو دهستان اند آباد و دهستان بناب از توابع شهرستان زنجان انجام شده است. بر پایه یافته‌های تحقیق، مانع‌های توسعه خصوصی‌سازی با رویکرد جدید (ایجاد دفاتر خدمات فنی و مشاوره‌ای) از منظر کارشناسان شرکت‌های خصوصی و کارشناسان بخش دولتی، در شش محور مانع‌های شناختی، اقتصادی، اجتماعی، جغرافیایی، عملکردی و عامل‌های ساختاری دسته‌بندی شدند. همچنین بر پایه این دسته‌ها، پایین بودن دانش فنی متناسب با نیازهای کشاورزان، نبود تجربه لازم در شناخت نیازهای مشتریان، عدم تمایل به رقابت بین شرکت‌ها، نبود بنیه مالی مناسب شرکت‌ها، نداشتن امکانات و تجهیزات مناسب برای رفت و آمد، تعدد کارشناسان زن و محدودیت حضور بر سرمزارع از جمله مانع‌های مهم می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: ترویج، خصوصی‌سازی، شرکت‌های خدمات مشاوره، زنجان

#### Abstract

Existing complex situation of Iran's agricultural Extension is the result of successful and no-successful experiences of six decade intervention of the public sector, as well as numerous ideas regarding privatization, which have less examined. This case study research is to investigate the obstacles of privatization in agricultural extension and advisory services, using focus groups with relevant participants affecting privatization such as private agricultural specialists of Agricultural Advisory and Technical Companies, public specialists of the Jihad Agriculture Organization; and farmers of two villages located in the Andabad and Bonab Dehestans of the Zanjan Township in Iran. From the perspective of the public and private specialists, the main obstacles of privatization, specially using the Agricultural Advisory and Technical Companies, are classified in six categories: cognitive, economic, social, geographical, performance, and structural obstacles. Moreover, the main obstacles of these the private specialists and companies in these categories are low technical knowledge and incompatibility with farmers' needs, lack of required experience in recognizing clients' needs, reluctance for competition between the companies, financial constraints, lack of required facilities and transportation, high number of female specialists that limits their visits to farms (though the farmers are mostly male).

**Key Words:** Extension, privatization, technical and advisory service companies, Zanjan, Iran

## مقدمه

ترویج از لحاظ سازمانی عبارت از یک مؤسسه آموزشی است که اجرای امور آموزش‌هایی را در خارج از قالب و نظام‌های متداول آموزشی بر عهده دارد. در این نظام جوانان و بزرگسالان در خارج از محیط کلاس و مدرسه، با استفاده از روش‌های آموزش عملی مطالب جدید کشاورزی و دامپروری را یاد می‌گیرند (شهبازی، ۱۳۸۲). ترویج کشاورزی عنصر مهمی از زیربخش‌های نظام دانش و اطلاعات کشاورزی به شمار می‌آید و به لحاظ ارتباط و تعامل با محققان و کشاورزان، دو نقش ارتباطی و آسان‌گری را ایفا می‌کند (فرخی، ۱۳۸۱). ترویج بخش دولتی در دهه‌های هفتاد و هشتاد میلادی به شدت مورد انتقاد سیاستمداران و اقتصاددانان کشورهای توسعه یافته واقع شد. عمده تمرکز آنان بر هزینه‌ها و مسائل مالی ترویج بخش دولتی بود (ابراهیمی، ۱۳۸۲). کفایت نداشتن، پایین بودن کیفیت و نداشتن همخوانی و ارتباط محتوای آموزشی با نیازهای ارباب رجوع، محدودیت سازمانی و مدیریتی، پایین بودن سطح توانایی مدیران در تصمیم‌گیری صحیح، افزایش یارانه، تضاد نقش برای کارکنان و خروج نیروهای کیفی موجب انتقاد از ترویج بخش دولتی شده و لزوم بازنگری ترویج را محسوس می‌ساخت (توده روستا، ۱۳۸۲). از جمله راهکارهایی که کشورهای مختلف همچون آلمان، هلند، فرانسه، انگلستان و شیلی برای پوشش دادن این نواقص و نقاط ضعف ترویج دولتی در کشور خود پیاده کرده و به توفیق‌های مهمی دست یافته‌اند، خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی می‌باشد (Hanchinal at al., 2001; Saravanan, 2001). خصوصی‌سازی در جهان در اواخر نیمه دوم دهه هفتاد و بخشی از دهه هشتاد میلادی سده بیستم روی داد که طی آن اقتصاددانان، متخصصان و سازمان‌های بین‌المللی روند آزادسازی و خصوصی‌سازی را کلید رفع بحرآنانی اقتصادی آن زمان دانستند (نجفی، ۱۳۸۲). پیشینه‌های موضوع و روند حرکت خصوصی‌سازی در جهان و ایران گویای این مسأله است که حرکت به سوی خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی از مهم‌ترین پاسخ‌ها به این نارسایی‌های بوده است. این امر در بسیاری از موارد منجر به تکثر نهادی و شکل‌گیری آمیزه‌ای از نظام‌های

خصوصی، برای پاسخگویی به کشاورزان شد (ابراهیمی، ۱۳۸۲). در واقع منظور از خصوصی‌سازی ترویج، بهره‌گیری از مجموعه‌ای از سیاست‌ها، راهبردها، فعالیت‌ها و راهکارهایی است که منجر به تجدید ساختار و سازماندهی مالی و مدیریتی ترویج کشاورزی می‌شود. در این راستا می‌توان به واگذاری و تفویض مسئولیت‌های مالی و خدماتی ترویج به سازمان‌های غیر انتفاعی، انتفاعی، غیردولتی، بخش خصوصی، تشکلهای کشاورزان، مؤسسه‌های تولید و توزیع کننده نهاده‌های کشاورزی و واحدهای تبدیلی و بازاریابی محصولات کشاورزی اشاره نمود (Shiraling Gowda & Saravanan, 2001). هم‌اکنون نیازهای جدید و رو به رشدی (مانند مسایل مرتبط با مصرف کنندگان، تهدیدهای زیست محیطی، امنیت غذایی، نیازهای معیشت کشاورز)، وجود دارد که زمینه نوآوری‌های بعدی را فراهم ساخته است. این نوآوری‌ها با توجه به هدفی که دنبال می‌کنند متفاوت هستند. به طور کلی دو مسئله مهم ضرورت استفاده از ترویج خصوصی را انکار ناپذیر می‌کند: (۱) مسئله پوشش: ضرورت جواب‌گویی به نیازهای متعدد کشاورزان در حال افزایش که بیشتر آنان محروم از دریافت خدمات مؤثر ترویجی هستند؛ (۲) مسئله منابع: محدودیت و نارسایی جدی منابع مالی، امکانات، تجهیزات و کارکنان سازمان‌ها و مؤسسه‌های ترویج دولتی (حسینی، ۱۳۷۵).

حاجی میر رحیمی و کرمی (۱۳۷۶)، بر این باورند: «بیشتر سازمان‌های خصوصی به دنبال منافع خویش هستند و هدف از خصوصی‌سازی نیز کسب درآمد بیشتر است تا استفاده بهینه از امکانات». (ص ۲۰۰). آنان حرکت نظام ترویج دولتی ایران را در راستای افزایش نابرابری در جامعه روستایی دانسته و آن را در زمینه محرومیت زدایی ناتوان ارزیابی کرده‌اند و پیشنهاد تلفیق مناسبی از ترویج خصوصی و دولتی را داده‌اند. در این رابطه شعبانعلی فمی و همکاران (۱۳۸۲)، بر تمرکز زدایی در زمینه اصلاح ساختار اداری و نیز توجه به منابع مالی ترویج و نیز نقش فعال مردم در این زمینه تأکید ورزیده‌اند.

پیرو شعبانی (۱۳۷۶)، در بررسی خود به بررسی امکان خصوصی‌سازی ترویج کشاورزی در شهرستان شهریار از دید مسئولان، مروجان و کشاورزان پرداخت و نتایج نشان داد که

گرایش مساعدی نسبت به خصوصی سازی خدمات ترویج کشاورزی وجود دارد. فرخی (۱۳۸۱) در بررسی نگرش کارشناسان و کشاورزان استان ایلام نسبت به فرایند خصوصی سازی ترویج کشاورزی، گرایش به نسبت مساعدی را در این رابطه به دست آورده است. بیگلریان و همکاران (۱۳۸۱) در بررسی نگرش مدیران ارشد سازمانی جهاد کشاورزی کشور نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی ایران، نگرش مثبت با فراوانی (۸۳ / ۹۳٪) را به دست آورده اند. همچنین خاتون آبادی (۱۳۸۴) در بررسی خود با هدف تعیین ابعاد خصوصی سازی ترویج کشاورزی از دیدگاه کارشناسان و مروجان ( بررسی موردی: استان اصفهان)، به این نتیجه دست یافت که خدمات ترویج خصوصی در بین کشاورزان با درآمد بالا نسبت به کشاورزان با درآمد پایین پذیرش بیشتری دارد. همچنین از میان گزینه های مختلف برای ساختار ترویج خصوصی بیشترین امتیاز را تعاونی ترویج و آموزش و از میان گزینه های مختلف برای چگونگی دائر نمودن خدمات ترویج خصوصی بیشترین امتیاز را ایجاد تعاونی های تولید کشاورزی به خود اختصاص داد.

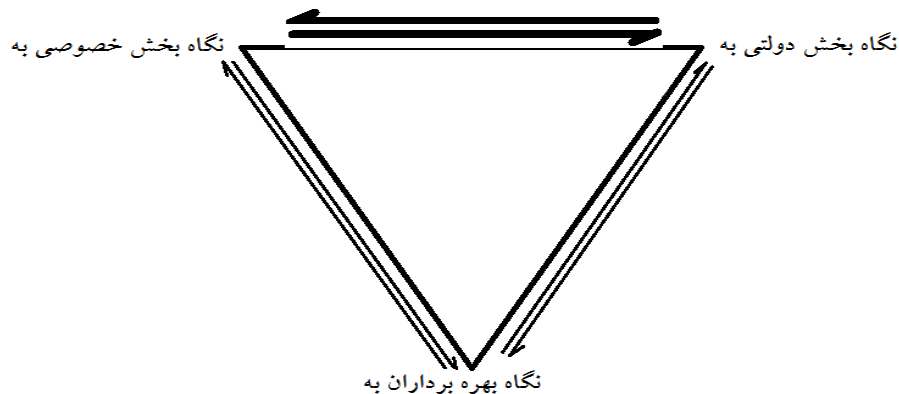
شرایط کنونی ترویج کشاورزی شرایط پیچیده ای مرکب از تجربه های موفق و ناموفق شش دهه پر افت و خیز در بخش دولتی، و ده ها دیدگاه ناآزموده خارج شده از نشست طوفان اندیشه و نظریه پردازی های جور و ناجور در حوزه خصوصی سازی است. در این شرایط ذینفعان قابل شناسایی عبارت اند از: بخش دولتی و کارشناسان شاغل در این بخش، بخش خصوصی و کارشناسان شاغل در بخش و در نهایت کشاورزان یا بهره برداران بخش کشاورزی که دریافت کننده خدمات هستند. از براین تأثیر و تأثر ذی نفوذان سه گانه، شش نوع نگرش به دست آمده می شود. این نگرش ها عبارت اند از:

۱- نگاه کارشناسان بخش دولتی به کارایی و اثر بخشی به خدمات آموزشی و

ترویجی کارشناسان بخش خصوصی؛

۲- نگاه کارشناسان بخش دولتی به بهره برداران به عنوان مشتریان خدمات؛

- ۳- نگاه کارشناسان بخش خصوصی به کارایی و اثربخشی خدمات آموزشی و ترویجی کارشناسان بخش دولتی؛
- ۴- نگاه کارشناسان بخش خصوصی به بهره‌برداران به عنوان مشتریان خدمات؛
- ۵- نگاه کشاورزان به خدمات آموزشی ترویجی بخش دولتی؛ و
- ۶- نگاه کشاورزان به خدمات آموزشی ترویجی بخش خصوصی.



شکل شماره ۱: مدل مفهومی تعامل بین ذی‌نفعان فعالیت‌های کشاورزی

در این تحقیق نگاه هر گروه از ذی‌نفعان فعال در بخش کشاورزی به منظور ترسیم مانع‌های توسعه خصوصی‌سازی فعالیت‌های خدمات فنی و مشاوره‌ای کشاورزی با استفاده از فن گروه‌های متمرکز مورد سنجش قرار گرفته است.

### روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از حیث روش انجام از نوع روش‌های کیفی و ژرفانگر بوده و داده‌ها با استفاده از روش گروه‌های متمرکز به دست آمده است. جامعه مورد پژوهش عبارت است از کارشناسان شاغل در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی (هشت کارشناس از هشت شرکت)،

کارشناسان دولتی شاغل در سازمان جهاد کشاورزی (نه نفر)، و کشاورزان دو روستای واقع در دو دهستان اند آباد (هفت نفر) و دهستان بناب (پنج نفر) از توابع شهرستان زنجان. در این زمینه چهار گروه متمرکز متفاوت ایجاد شد و در هر گروه اعضای کلیدی بر پایه یک روش گلوله برفی گزینش شدند. دو گروه متمرکز مربوط به کارشناسان دولتی و خصوصی در دفتر گروه مطالعات توسعه روستایی سازمان جهاد کشاورزی استان زنجان تشکیل شد و دو گروه مربوط به کشاورزان در روستاهای اندآباد و بناب سازماندهی شد. به منظور با لابردن روایی و پایایی یافته‌ها، نویسندگان در نشست حضور یافته و یک نفر به عنوان آسان‌گر و دیگران یادداشت برداری و ترسیم نظرهای را بر عهده داشتند. همچنین با استفاده از ابزار الکترونیکی نظرهای افراد ضبط می‌شد. نکات مهم عنوان شده در نشست بار دیگر به افراد بازخورد داده می‌شد تا صحت آنان مورد تایید قرار گیرند و نتایج کلی تحلیل شوند. پس از اتمام جمع‌آوری داده‌ها، یافته‌های تکمیلی حول نظرهای مؤلفه‌بندی شده قرار می‌گرفت بنابراین تجزیه و تحلیل کیفی با استفاده از فن‌های نقلی و مقله‌بندی در حین و پس از گردآوری داده‌ها صورت می‌گرفت.

### نتایج و بحث

نتایج به دست آمده از بحث‌های گروهی در سه بخش در زیر آمده است.

بخش اول: نتایج نشست‌های برگزار شده با کارشناسان کشاورزی شاغل در بخش دولتی

#### الف) مانع‌های شناختی

**ضعف دانش فنی:** کارشناسان بخش دولتی بر این باورند که کارشناسان فعال در بخش خصوصی از حیث داشتن دانش فنی متناسب با نیاز بهره‌برداران دارای ضعف پایه‌ای می‌باشند. بخشی از این ضعف ناشی از نوع و سطح آموزش‌های ارائه شده در مبادی دانشگاهی بوده و بخشی دیگر ناشی از تغییرات به وجود آمده در تغییرات دانش فنی در عرصه فعالیت می‌باشد. **نبود توانایی‌های مهارتی:** کارشناسان شاغل در بخش خصوصی به دلیل نبود بستر لازم در باز آزمایی تخصص‌های خود و همچنین وجود رشته‌های فعالیت مانند کشت زعفران،

پرورش شترمرغ، پرورش گل و گیاه، پرورش پرندگان زینتی، از این قبیل از حیث داشتن مهارت ضعیف می باشند. از جمله دلایل مطرح شده عبارت از این است که، سرفصل‌های آموزشی آنان به نوعی است که اولویت با مهارت‌آموزی نبوده و فراگیری اشتغال‌های موجود در دروس آنان گنجانده نشده است.

#### ب) مانع‌های اجتماعی، اقتصادی و جغرافیایی

**وجود رانت اطلاعاتی و اقتصادی:** وجود شمار محدودی شرکت برای ارائه خدمات به همراه شمار محدودی از اقلام خدماتی انحصاری تعریف شده به طور اساسی بازار الیگوپولی را به وجود می آورد. در بازارهای الیگوپولی بهره بردار حق گزینش و گزینه بهینه را ندارد و به طور اساسی ناکارآمد هستند. ضمن آنکه در این شرایط خدمات ارائه شده کیفی نبوده و ارائه دهنده خدمات بدون داشتن رقابت و داشتن حاشیه امن از خدمات بی کیفیت مطلوبیت بیشتری عایدش می شود. در حالت الیگوپولی، دولت و مصرف کنندگان خدمات زیان بینند. دولت از پیش دستمزد را پرداخت می کند (این در واقع یارانه (سوبسید) است که دولت پرداخت می کند) و بهره برداران نیز خدمات بی کیفیت دریافت می کنند.

**جانمایی ناصحیح رقیبان:** نبود محیط رقابتی پویا و کارآمد که در آن بنگاه‌های ارائه دهنده خدمات برای کسب سهم بیشتر بازار به رقابت با هم بر می خیزند در عمل جای خود را به پنداره نادرست رقابت بخش دولتی و بخش غیردولتی سوق داده است. در این نگاه بخش دولتی عملکرد خود را در زمان پیش از واگذاری به شرکت‌ها با شرایط موجود می‌سنجد. لذا فعالیت ارزیابی جای خود را به مچ‌گیری داده است. بنابراین بخش غیر دولتی بیشتر بدنبال جلب رضایت کارفرمای دولتی (خوشایند بخش دولتی) است و کمتر به فکر سطح مهارت و دانش برای پاسخ‌گویی به کشاورزان است.

**انحصار مکانی و جغرافیایی:** استان زنجان مشتمل بر ۷ شهرستان و ۴۶ دهستان است. کل استان زنجان به ۶۴ منطقه (پهنه منطبق بر ۶۴ شرکت) تقسیم شده است. بر پایه این تقسیم‌بندی در هر منطقه تنها یک شرکت مستقر می‌باشد. هیچ شرکتی حق فعالیت در منطقه



دیگری غیر از منطقه خودش را ندارد. همچنین کشاورزان هر منطقه مجاز به دریافت خدمات از شرکت مربوطه مستقر در منطقه محل تولید خود می باشد. انحصار جغرافیایی رقابت بین شرکت‌ها را به رکود و روزمره گی تبدیل کرده است. همچنین اگرچه در پهنه بندی اولیه قصد تبعیضی و یا ترجیحی خاصی مد نظر نبوده است، اما اکنون مناطقی که دارای قابلیت کشاورزی بالایی می باشند بالقوه دارای درآمد بالایی نیز می باشند.

**ضعف اعتماد کشاورزان به کارشناسان جوان شرکت‌ها:** کارشناسان شاغل در بخش غیر دولتی به طور عمده جوان بوده و مهارت ارتباطی لازم را ندارند. لذا کشاورزان اعتماد زیادی به این کارشناسان ندارند. از سویی دیگر، از نظر کشاورزان نیز نقش مهمی در معرفی کارشناسان به روستائیان و بهره برداران در راستای اعتماد بخشی ایفا ننموده است. در پاره‌ای از اوقات نیز تاثیر منفی از خود بر جای نهاده‌اند. لذا کشاورز ترجیح می‌دهد تا نیازهای خود را با بخش دولتی مطرح نماید. بنابراین نیاز واقعی کشاورز به دلیل نوع ارتباط از منظر کارشناسان بخش خصوصی مغفول مانده است.

**وابستگی اقتصادی بیشینه‌ای بخش خصوصی به بخش دولتی:** شرکت‌های خدمات توسعه کشاورزی با هدف ایجاد فرصت مناسب برای ارائه خدمات کارشناسی بهینه به کشاورز و افزایش کمیت و کیفیت تولید و دریافت بهای خدمات ارائه شده از کشاورز پایه‌گذاری نشده است. بلکه هدف پوشش سیاست کوچک‌سازی بدنه دولت و واگذاری فعالیت‌های تصدی شده و پرداخت بهای خدمات از محل اعتبارات دولتی بوده است. لذا شرکت‌های ایجاد شده از این نوع، وابستگی بیشینه‌ای از حیث درآمد به دولت دارند. در این حالت بازار ارائه خدمات به کشاورز کوچک مانده و به دلیل محدودیت در اعتبار دولتی امکان توسعه و تکثیر بخش غیر دولتی متکی به منابع دولتی با مشکل روبرو شده است.

**نگاه ترجیحی نادرست:** اگرچه به طور کل تبعیض امر پسندیده‌ای نیست، اما چنانچه تبعیض و ترجیح بین شرکت‌ها و کارشناسان بر پایه میزان عملکرد و توانمندی و مهارت باشد موجبات رقابت سالم را فراهم خواهد نمود. این در حالی است که شاخص‌های ترجیحی از

نظر کلی منطبق با کارآمدی شرکت‌ها نبوده و به عنوان یک عامل منفی در ایجاد انگیزه اثر می‌گذارد.

### ج) مانع‌های عملکردی

بزرگ‌نمایی در نشان دادن عملکرد بخش خصوصی: به دلایل بسیاری از جمله پوشش ناکارآمدی مربوط به اشکال الیگوپولی و ضعف ناشی از نبود رقابت و انحصار و همچنین اغراض سیاسی و موقعیتی، در نشان دادن اثر بخشی و کارایی بخش خصوصی غلو شده است. شرکت‌های متشکل از فارغ التحصیلان کشاورزی در عرصه به دلایل چندی توفیق چندانی به دست نیاورده‌اند. این در حالی است که بخش عمده‌ای از این ناکارآمدی ناشی از عملکرد ناصحیح بخش دولتی بوده است. از حیث ارزیابی، درجایی که عملکرد شرکت‌ها مستوجب تنبیه بوده، چشم پوشی شده است. وسعت عددی عملکرد اغلب بیشتر از عملکرد واقعی در سطح بوده است. از این نظر باور بر این است که «هنگامی که درجه سرهنگی به سرباز صفر داده شد، اگرچه عملکرد قابل انتظار در حد سرباز صفر است اما، انتظار سرباز در حد برخورداری از امتیازات سرهنگی است».

ناهمخوانی ترکیب گروه فنی: بخش کشاورزی متشکل از مجموعه نیازهایی است که پاسخگویی به این نیازها مستلزم داشتن تخصص‌های متنوع است. این در حالی است که بخش اعظم کارشناسان شاغل در شرکت‌ها در سه رشته کارشناسی به ترتیب فزونی شمار شامل زراعت، دامپروری و باغبانی شده است. و انجام خدمات مربوط به حفظ نباتات و گیاهپزشکی، دامپزشکی، خاکشناسی، آبیاری و ترویج اغلب توسط کارشناسان غیر مرتبط انجام می‌شود. لذا فعالیت‌های واگذار شده با کیفیت مطلوبی با گروه کارشناسی ناقص قابل انجام نبوده و افزایش شمار نفرات نیز به شمار سهام‌داران از نظر شرکت‌ها توجیه درآمدی ندارد. از سویی دیگر، قیمت پایه سهام شماری از شرکت‌ها که با پشتیبانی بخش دولتی و برخورداری از کمک‌های بلاعوض و یا کم بهره فربه شده‌اند بالا بوده و کارشناسان جویای

کار و علاقمند امکان وارد شدن در ترکیب گروه کارشناسی را به عنوان سهامدار پیدا نمی کنند. برآیند مجموعه این رخدادهای بی اعتمادی کشاورز به شرکت برای انجام کار است. نبود نظام ارزیابی و ارزشیابی: نظام را می توان مجموعه ای از عناصر که برای انجام مأموریت یا رسیدن به هدف خاصی با کمیت و کیفیت معلوم طراحی و ساخته شده و با کمیت و کیفیت معلوم با هم ترکیب شده اند، تعریف نمود. نظام به طور معمول در راستای کشف خطا و اصلاح موارد و در برخی اوقات با حذف عناصر نا کارآمد همراه است. در طول سالهای پس از واگذاری، صرفاً کار واگذار شده است. نظام ارزشیابی صحیحی که در چهار چوب ضوابط به وظایف قانونی عمل کند وجود نداشته است. لذا مشاهده آمار سازی در ازاء کار انجام شده خارج از انتظار نیست. بدنه اداری ارزیابی دولتی فاقد توان تخصصی بوده و در خوشبینانه ترین حالت همخوانی شکلی مد نظر بوده است. از سویی دیگر، با سیاست کوچک سازی بدنه دولت میزان خروجیهای کارکنان کار آزموده بیشتر شده و انگیزه ارتقا دانش فنی نیز به دلایل مختلف (که شرط لازم ارزیابی است) کاهش یافته است. لذا بخش غیر دولتی از این نظر خود را کمتر در چالش دیده است. بنابر این علاقمند به حفظ و ادامه وضع نا کارآمد موجود می باشد.

#### د) مانع های ساختاری

نبود بستر مناسب برای تحقق الزامات قانونی: سوگیری تقویت بخش خصوصی و واگذاری کار مردم به مردم بدون شک نیازمند چارچوبها و ضرورت های قانونی است. روند توسعه خصوصی سازی به هیچ وجه دارای ضعف در نبود قانون نیست. قانون افزایش بهره وری، قانون سازمان نظام مهندسی و قانون تشکیل و ساماندهی نظام صنفی و مجموعه آیین نامه های مرتبط دایره المعارف جامع قانونی را در دسترس قرار داده است. اما آنچه که وجود ندارد عبارت است از وجود بستر مناسب برای اجرای قانون و اجرای نادرست قوانین. بدون شک هم زمان با ساماندهی شرکت هایی که خدمات کشاورزی خصوصی ارائه می دهند، تشکیل نظام صنفی فعالیت های کشاورزی امری ضروری است. هدف های صنفی توسط مدیران

مربوطه ترسیم می شود و با استفاده از بخش غیر دولتی خدمات کشاورزی وارد تعامل می شود. در این صورت است که بخش خصوصی در اختیار بخش خصوصی قرار می گیرد. این در صورتی است که هیچ رغبتی برای پیگیری جدی و ساماندهی صنوف انجام نگرفته است. کشاورزان به لحاظ برخورداری از حقوق صنف‌ها عقب‌نگه داشته شده‌اند.

**حاکمیت اقتدارگرا:** با واگذاری کار به بخش خصوصی برابر اصول و منطق فعالیت بازار آزاد از اقتدار بخش دولتی در نزد کشاورزان کاسته می‌شود. به همین دلیل بخش دولتی به دنبال تربیت پیمانکار فرمان‌بردار سازمان است تا بخش پویا که تعامل گسترده با بهره‌برداران داشته باشد. در بهترین شرایط بخش دولتی می‌بایست به عنوان حلقه رابط بخش خصوصی ارائه‌کننده خدمات کشاورزی و مصرف‌کنندگان این خدمات عمل می‌نمود. بخش خصوصی در یک محیط رقابتی بایستی به بهره‌برداران معرفی می‌شد. که بنا به دلایل مذکور چنین امری در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد.

**بخش دوم: نتایج نشست برگزار شده با کارشناسان کشاورزی شاغل در بخش خصوصی**

#### الف) مانع‌های شناختی

کارشناسان شاغل در بخش خصوصی بر این باورند که یکی از ضعف‌های عمده آنان از شرح وظایف و حقوق خود در حیطة کاری می‌باشد. این مسئله همچنین به دلیل نبود وحدت رویه در واگذاری فعالیت‌ها و شرح وظایف خواسته شده توسط بخش دولتی چند برابر می‌شود.

بخش خصوصی خدمات کشاورزی بر این باور است که دانش و مهارت کارشناسان دولتی شاغل در رده صف به روز نشده و آنان نمی‌توانند مشاوره لازم مبتنی بر روش‌های نوین را به کشاورزان منتقل نمایند.

#### ب) مانع‌های اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی

به رغم واگذاری برخی از فعالیت‌ها به بخش خصوصی از سوی بخش دولتی، هنوز بخش مربوطه اعتماد لازم به توانمندی بخش خصوصی در انجام کار به نحو مطلوب را ندارد. همچنین وجود برخی نگاه‌ها از حیث میزان برخورداری از تعهد نیز از نرخ اعتماد می‌کاهد. به باور کارشناسان شاغل در بخش خصوصی، کشاورزان هنوز مرجع ارائه‌دهنده خدمات را مراکز خدمات (بخش دولتی) می‌داند. بخش کشاورزی به شدت دولت‌زده بوده و کشاورزان بر این باورند که دولت باید دست آنان را بگیرد. از سویی بخشی از کارها به بخش خصوصی منتقل شده و مرکز خدمات وظیفه‌ای در ارائه خدمت ندارد. لذا کشاورز همواره از یک تردید در مراجعه به پشتیبان سنتی (بخش دولتی) و ارائه‌کننده خدمات جدید دارد. کارشناسان شاغل در بخش خصوصی باور دارند به وجود پهنه‌بندی جغرافیایی برای تضمین بازار خدمات فنی خود دارند. اما آنان بر این باورند که در مشخص کردن پهنه‌های جغرافیایی فعالیت، نگاه‌های تبعیض آمیز موجب بی‌انگیزه شدن بخش خصوصی شده است. نبود پشتیبانی تسهیلاتی بدون بهره و یا کم‌بهره لازم از بخش خصوصی و ضعف مالی کارشناسان این بخش به دلایل بسیاری از جمله جوان بودن اعضا و نداشتن پیشینه کار از جمله مانع‌های توسعه بخش خصوصی متشکل از دانش‌آموختگان است.

### ج) مانع‌های عملکردی

کارشناسان شاغل در بخش خصوصی بر این باورند که، بخش دولتی مجوز لازم را برای گزینش طرح‌ها و فعالیت‌های مورد نظر بخش خصوصی که مبتنی بر نیازهای بهره‌برداران می‌باشند را نمی‌دهند. این باعث می‌شود که نه تنها کشاورزان نتوانند به خدمات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند، بلکه بخش خصوصی نیز از امکان مشتری‌یابی بازماند. همچنین کارشناسان بخش خصوصی بر این باورند که آنان تجربه عرصه‌ای لازم را نداشته و بخش دولتی نیز برنامه‌ریزی کافی و مستمر برای آموزش کارشناسان بخش خصوصی در تقویم کاری خود ندارد.

به باور کارشناسان بخش خصوصی، کارکنان بخش دولتی به دلیل احساس امنیت شغلی نداشتن تحرک لازم (تنبل) بوده و این بی‌رغبتی به انجام کار در خروجی کار بخش

خصوصی نیز تاثیر می گذارد. همچنین از جمله مانع‌های بر شمرده نبود شفافیت لازم در مرز وظایف بخش خصوصی و دولتی در انجام کار می باشد. به باور آنان کارشناسان بخش دولتی در بسیاری از موارد وظیفه خود را نمی دانند و انتظار انجام کار را از بخش خصوصی دارند.

#### د) مانع‌های مربوط به عامل‌های انسانی و ساختاری

از نظر کارشناسان شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای، ساختارهای بسیاری برای انجام فعالیت‌های بخش کشاورزی در عرصه موجود می‌باشند. شرکت‌های تعاونی کشاورزی، شرکت‌های چندمنظوره کشاورزی، دفترهای پیشخوان دولت و از این قبیل از جمله این ساختارها می‌باشند. وجود این ساختارها از نظر کارشناسان این بخش مانعی برای موفقیت و توسعه می‌باشد.

همچنین آنان بر این باورند که شرایط موجود فعالیت، شرایط مناسبی برای ایجاد رقابت نبوده و وجود رقابت باعث کوچک شدن بازار فعالیت خواهد شد. این به آن معنی است که ابتدا باید شرایط آرمانی برای رقابت فراهم شود. همچنین کارشناسان فعال در بخش خصوصی، به کاری که در آن مشغول می‌باشند به چشم یک کار موقتی می‌نگرند. دلیل این امر را در نبود اطمینان از پایداری سیاست‌ها و تصمیم‌های دولتی و استمرار آنان در پیگیری امور می‌باشد.

#### بخش سوم: نتایج نشست‌های برگزار شده با کشاورزان

##### الف) مانع‌های شناختی

کارشناسان بخش خصوصی به دلیل جوان بودن و نیز به دلیل آنکه به طور عمده تازه از دانشگاه دانش‌آموخته شده‌اند فرصت کافی برای تجربه‌اندوزی نداشته‌اند. لذا در بسیاری از موارد در دادن توصیه فنی دچار مشکل می‌شوند.

##### ب) مانع‌های اجتماعی، جغرافیایی و اقتصادی

به باور کشاورزان، محل استقرار دفترهای شرکت‌ها متناسب با مسیر دسترسی و تمایل به سفر (مراجعه) کشاورزان انجام نگرفته است. به گونه‌ای که کشاورزان روستای اندآباد که می‌بایست خدمات خود را از دهستان اندآباد بگیرند، در عمل به ماهنشان مراجعه می‌کنند.

بر پایه یافته‌های تحقیق، کشاورزان هزینه نهاده‌های توزیعی را می‌پردازند. اما آنان به‌ویژه کشاورزان خرده‌پا تمایلی به پرداخت هزینه خدمات مشاوره به دلایل مختلف از جمله عینی نبودن نتایج مشاوره و آنی‌نبودن نتایج در حوزه زراعت و باغبانی ندارند. با این وجود، آنان تمایل به پرداخت کارمزد در مشاوره خود را به شرط مناسب بودن توصیه‌ها برای فعالیت تولیدی خود ندارند. از نظر آنان همچنین در ارائه خدمات توسط شرکت‌ها نگاه تبعیض‌آمیزی از حیث پایگاه اجتماعی کشاورزان وجود ندارد. این در حالی است که کارشناسان مراکز خدمات کشاورزی / جهاد کشاورزی دهستان (بخش دولتی) برخوردار از این نگاه است.

### ج) مانع‌های عملکردی

بنا به اظهار نظر کشاورزان، کارکنان شرکت‌ها اغلب تمایلی برای حضور در کشتزارها و باغ‌های آنان نداشته و بیشتر تمایل دارند که کشاورزان به مکان شرکت آنان برای دریافت خدمات مراجعه کنند. همچنین بنا بر اظهار آنان، بیشتر خدمات شرکت‌ها به روستای محل استقرار و روستاهای پیرامونی نزدیک صورت می‌گیرد. دلیل این امر را در گرانی سوخت و حمل و نقل می‌دانستند.

کشاورزان این شرکت‌ها را به دلیل ماهیت عملکرد خود بیشتر توزیع‌کنندگان کود و سم می‌شناسند تا شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای. به گونه‌ای که نزدیک به همه کشاورزان حاضر در نشست برای دریافت این نوع نهاده‌ها به شرکت مراجعه کرده بودند.

### د) مانع‌های مربوط به عامل‌های انسانی و ساختاری

کشاورزان اظهار داشتند که شمار کارکنان فنی شرکت‌ها که بتواند تمام نیازهای آنان را پاسخ دهند، متناسب نیست. همچنین نبود تناسب جنسی کارکنان با ماهیت کار در بخش کشاورزی نیز بر این مشکل اضافه نموده است. آنان بر این باور بودند که کارشناسان مرد حتی با موتور سیکلت کشاورزان نیز می‌توانند در مواقع لزوم به کشتزارها یا باغ‌های آنان سرکشی نمایند، اما این امکان برای کارشناسان زن وجود ندارد.

### نتیجه گیری و پیشنهادها

خصوصی سازی خدمات کشاورزی اعم از فعالیت های فنی و ترویج کشاورزی یکی از رهیافت های مطرح برای دستیابی به کشاورزی بهره ور است. اگرچه ارائه خدمات کشاورزی برای کشاورزان در سطح کشور و به تبع در استان زنجان از قدمت برخوردار است، اما این خدمات بیشتر در زمینه فروش ادوات مکانیزاسیون و فروش نهاده بوده است. ایجاد دفترهای فنی و مشاوره ای متشکل از دانش آموختگان رشته های کشاورزی روند جدیدی است که قدمت آن کمتر از ده سال می باشد. در این دیدگاه مانع های توسعه خصوصی سازی با رویکرد جدید (ایجاد دفترهای خدمات فنی و مشاوره ای) از منظر مشتری ها (کشاورزان)، مجریان (شرکت های بخش خصوصی) و کارفرمایان (بخش دولتی) مورد بررسی قرار گرفت.

بر پایه یافته های تحقیق، پایین بودن دانش فنی کارشناسان خصوصی متناسب با نیاز های کشاورزان و نداشتن تجربه لازم در شناخت نیازهای مشتریان از جمله مانع های مهم خصوصی سازی بوده است. همچنین به نظر می رسد کشاورزی بیش از حد دولت زده موجود مانع از ایجاد رغبت برای خرید خدمات مشاوره ای شده و بخش اعظم کشاورزان که به طور عمده کشاورزان خرده پا می باشند تمایل به پرداخت بهای خدمات مشاوره را نداشته باشند. در این زمینه پرداخت هزینه خدمات مشاوره ای که نتایج پرشتاب تری را به دنبال داشته باشند (خدمات دامپروری) از اقبال خوبی در مقایسه با زراعت و باغبانی برخوردارند. همچنین نبود بنیه مالی مناسب شرکت ها و نداشتن امکانات و تجهیزات مناسب برای رفت و آمد و ارائه خدمات مکانیزه و بالا بودن قیمت سوخت و هزینه های استهلاک قطعات، به عنوان یک مانع در برای حضور در کشتزارها و ارائه خدمات قابل توجه می باشد. ترکیب جنسی بیشتر زن شرکت ها مانع بزرگ دیگری برای حضور در کشتزارها بوده که این مشکل با کمبود وسیله نقلیه شرکت شدیدتر می شود. بنابر اظهار نظر کشاورزان دسترسی به مکان های فعالیت کشاورزی به طور عمده با وسیله موتور سیکلت انجام می شود. این شرایط به ویژه با وضعیت کارشناسان زن سازگار نیست.



بر پایه یافته‌های تحقیق، گرایش عمومی شرکت‌ها به غیر از مواردی که با بخش دولتی عقد قرار داد می‌شود، به فروش نهاده اعم از بذر و کود و سم و سایر نهادها می‌باشد. شرکت‌ها موافق پهنه‌بندی و فعالیت در درون پهنه مورد نظر بوده و هم‌اکنون تمایلی به ایجاد ساز و کارهای رقابتی ندارند. این در حالی است که کشاورزان علاقه‌مند به ایجاد تمهیداتی برای امکان‌پذیر شدن بیشتر از حیث محل‌های دریافت خدمات می‌باشند. از نظر کشاورزان در مشخص کردن پهنه جغرافیایی می‌بایست ضریب دسترسی محلی و همچنین ترجیح سفر کشاورزان مد نظر قرار گیرد. این عامل به عنوان یکی از مانع‌های مهم در خصوص پایین بودن رغبت برای مراجعه به دفترهای شرکت‌ها مطرح می‌باشد.

### منابع

۱. ابراهیمی، ح. (۱۳۸۲). بررسی زمینه‌های خصوصی سازی ترویج در بین زارعان شهرستانانی مرودشت، اقلید و لارستان استان فارس شیراز. سازمان جهاد کشاورزی، مدیریت ترویج و مشارکت مردمی.
۲. پیرو شعبانی، م. (۱۳۷۶). بررسی امکان خصوص یسازی ترویج کشاورزی در شهرستان شهریار از دید مسئولان، مروجان و ۱۲۰ کشاورزان. پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران.
۳. توده روستا، م (۱۳۸۲). خصوصی سازی ترویج در کشور، مشکلات و راهکارها. جهاد. شماره ۲۶: ۲۳-۲۶.
۴. حاجی میر رحیمی، س. د و کرمی، ع. (۱۳۷۶). فقر روستایی و خصوصی سازی ترویج. هشتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی کشور، تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز. ۲۱۵-۱۹۴.
۵. حسینی، س. م. (۱۳۷۵). گرایش های نوین جهانی در خصوصی سازی و تعدیل هزینه های ترویج کشاورزی. مجموعه مقالات اولین سمینار علمی ترویج منابع طبیعی، امور دام و آبزیان، تهران.
۶. خاتون آبادی، س. ا. (۱۳۸۴). تعیین برخی ابعاد خصوصی سازی ترویج کشاورزی از دیدگاه کارشناسان و مروجان کشاورزی، بررسی موردی استان اصفهان. مجله علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی. سال نهم. شماره اول. ۵۹-۴۱.
۷. شعبانعلی فعی، ح و رضایی، م. (۱۳۸۲). تمرکز زدایی ترویج کشاورزی. دام و کشت و صنعت ۳۰ و ۳۹: ۳۱-۲۵.
۸. شهبازی، ا. (۱۳۷۲). ترویج و توسعه روستایی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. صدیقی، ح و بگلریان، م. (۱۳۸۳). بررسی نگرش مدیران ارشد سازمانانی جهاد کشاورزی نسبت به خصوصی سازی ترویج کشاورزی در ایران. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی. ۴۸: ۱۷-۲۸.
۱۰. فرخی، ص. (۱۳۸۱). بررسی نگرش کارشناسان و کشاورزان استان ایلام به خصوصی سازی ترویج کشاورزی. پایان نامه کارشناسی ارشد ترویج و آموزش کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.

۱۱. نجفی، غ. (۱۳۸۲). خصوصی سازی. جهاد. شماره ۲۶۱ : ۱۱۶-۱۱۱.

12. Hanchinal, S.N ., Sundaraswamy, B., and Ansari M.R. (2001). Attitudes and preferences of farmers towards privatization of extension service. Available at: <http://www.manage.gov.in/pvtext/htm>.
13. Sarvanan, R. (2001). Privatization of Agricultural Extension. National institute of agricultural extention management. Available at: <http://www.manage.gov.in/pvtext>.
14. Shivalinge Gowda , N.S. & Saravanan , R. (2001). Attitude and preference of agricultural scientists toward privatization of agricultural services . Heydarabade: National Institute of Agricultural